

کووید و کوویده

فی‌الجملة اعتماد مکن بر ثبات دهر
کاین کارخانه‌ای است که تغییر می‌کنند
حافظ



برای اطلاعات بیشتر
اینجا کلیک کنید.

دانشمند نژادپرست

یکی از کسانی که به «سارا» علاقه‌مند شده بود، «ژرژ کوویده»^۱ زیست‌شناس بزرگ و بنیادگذار دیرین‌شناسی و تشریح مقایسه‌ای بود. «کوویده» نیز که از پیشروان آناتومی مهره‌داران، از جمله انسان بود، مانند بسیاری دیگر مجذوب «سارا» شده بود؛ اما نه مجذوب خود او؛ بلکه مجذوب آناتومی بدنش و دوست داشت او را کالبدشکافی و تشریح کند و اجزای بدن او را به‌طور دقیق مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، چون برای «سارا»ی زنده ارزشی قائل نبود، منتظر مرگ او ماند.

«کوویده» بسیار زود به آرزویش رسید. سرانجام، زندگی کوتاه و رقت‌انگیز «سارا» در سال ۱۸۱۵، یعنی پنج سال پس از شروع نمایش در لندن به پایان رسید. در این هنگام، «کوویده» فوراً جسد او را در اختیار گرفت، مغز و برخی اجزای بدن را جدا کرد، درون ظرفی شیشه‌ای جای داد و به آکادمی علوم فرانسه تقدیم کرد. آکادمی علوم فرانسه نیز بخش‌هایی از بدن او را در موزه انسان واقع در نزدیکی برج ایفل در پاریس به نمایش همگان گذاشت.

برخی دانشمندان قرن

نوزدهم در واقع انسان

را شیء می‌دیدند

بدین ترتیب، نمایش‌های «سارا» با مرگ او به پایان نرسید؛ بلکه نمایش اجزای بدن او به‌مدت یک‌صد و هشتاد و هفت سال پس از مرگ نیز همچنان در موزه انسان در پاریس ادامه داشت و سرانجام، در سال ۲۰۰۲ به درخواست «لسون ماندلا»، بقایای بدن او را برای

در بیستم سپتامبر سال ۱۸۱۰، درج یک آگهی در روزنامه «مورنینگ پست»^۱ لندن نگاه بسیاری از انگلیسی‌ها را به خود کشید: «بشتابید و از یک نمونه کامل انسان از نژاد هوتنتوت^۲ از ساحل رودخانه گامتوس^۳ در مرزهای کفراریا؛ در آفریقای جنوبی دیدن کنید».

متن این آگهی در واقع تبلیغ به نمایش گذاشته‌شدن دختری سیاه‌پوست به نام «سارا» (سارتیه) بارتمن^۴ بود که حدود بیست و پنج‌ساله به‌نظر می‌رسید؛ اما چون بدنی بی‌تناسب داشت، حدس زده شده بود که انگلیسی‌ها برای دیدن او دست به جیب شوند.

چنین شد. نمایش با استقبال فراوان شهروندانی روبه‌رو شد که گروه‌گروه با پرداخت دو شیلینگ به تماشای این دختر سیاه‌پوست نگون‌بخت که به‌تمسخر نام او را «ونوس هوتنتوت»^۱ گذاشته بودند، می‌شتافتند.

«سارا» را در قفس به نمایش می‌گذاشتند. پس از هر نمایش او را از قفس بیرون می‌آوردند، در برابر بازدیدکنندگان راه می‌بردند تا بازدیدکنندگان از بی‌تناسبی واقعی بدن او مطمئن شوند. «سارا» می‌بایست همیشه آماده نمایش باشد؛ حتی اگر گاه احساس بیماری می‌کرد یا تمایلی به اجرای برنامه نداشت، اجازه استراحت نداشت؛ بلکه کتک می‌خورد و به اجبار به قفس فرستاده می‌شد.

کوتاه‌زمانی پس از آن، آوازه «سارا» ابتدا در شهر لندن و سپس در سراسر اروپا پیچید. برخی انگلیسی‌های نژادپرست برای تکمیل تحقیق او، در باره‌اش لطیفه‌های گوناگون می‌ساختند، بی‌رحمانه او را به باد تمسخر می‌گرفتند، به او می‌خندیدند و تفریح می‌کردند.

«سارا» در اصل، در آفریقا خدمتکار شخصی به نام «هندریک سزار»^۲ کشاورزی بوئری بود که همه هزینه‌های انتقال «سارا» به اروپا و نمایش را به عهده داشت. «سزار» در واقع روی «سارا» سرمایه‌گذاری ننگینی انجام داده بود تا درآمدی کثیف به‌دست آورد.

و در چند بند بعد چنین ادامه داده بودند:

... کوویه، دانشمند فرانسوی، واضع علم
دیرین‌شناسی و تشریح مقایسه‌ای از شخصیت‌های
علمی برجسته‌ای بوده که به فیکسیسم اعتقاد
فراوان داشته است...

دفن از پاریس به آفریقای جنوبی بازگرداندند و طی تشریفات به خاک سپردند.

«سارا» برای «کوویه» انسانی مانند خود او نبود؛ بلکه فقط سوژه‌ای علمی و نمونه‌ای آزمایشی بود. این نمونه‌ای بود از بی‌رحمی‌ها و نژادپرستی‌های برخی دانشمندان قرن نوزدهم^۱ که انسان‌های غیرخودی را شیء می‌دیدند و آن‌ها را در موزه‌ها و باغ‌وحش‌های انسانی^۱ به‌نمایش می‌گذاشتند^{۱۱}.

کوویه و ثبات گونه‌ها

در این کتاب درسی، «فیکسیسم» معادل ثبات انواع (بی‌تغییری گونه‌ها) در برابر «ترانسفورمیسم» (تغییر گونه‌ها) مطرح شده بود. در آن زمان هنوز واژه «گونه» گزینش و متداول نشده بود، بلکه به‌جای آن از واژه «نوع» استفاده می‌کردند.

«ژرژ کوویه» که می‌توان بر چسب زیست‌شناسی نژادپرست به او زد، به جز در دیرین‌شناسی و تشریح مقایسه‌ای در یک مورد دیگر هم پیشرو بود. او طرفدار سرسخت «فیکسیسم» بود.

به یاد دارم ده‌ها سال پیش در یکی از کتاب‌های درسی زمین‌شناسی و تکامل در معرفی «فیکسیسم» چنین نوشته بودند:

... از آنجا که بر طبق معمول «از هر جانور یا گیاهی، جانور یا گیاه نظیر آن نتیجه می‌شود و هر جاننداری از جاندار نظیر خود به وجود می‌آید، این فکر پیدا شد که «نوع انسان یا هر نوع جانور یا گیاهی بایستی قاعدتاً روزی به همین شکل و هیئت امروزی خود خلقت یافته و تاکنون طبق روش کلی تولیدمثل، نظائر خود را به وجود آورده باشد».



«ژرژ کوویه» طرفدار

سرسخت «فیکسیسم»

بود

کووید و کووید

باطل شود و بر باد رود. می‌توان ادعا کرد که امروزه مفهوم جهش در ویروس‌ها به مفهومی عمومی و عامه‌فهم تبدیل و بخشی از پیکره علم شده است؛ همان جهشی که سبب دگرگونی همه موجودات زنده می‌شود و به فراوانی در ژنوم همه جانداران از جمله خود ما روی می‌دهد.

امروزه مفهوم جهش و

موتاسیون در ویروس‌ها

به مفهومی عمومی و

عامه‌فهم تبدیل و به

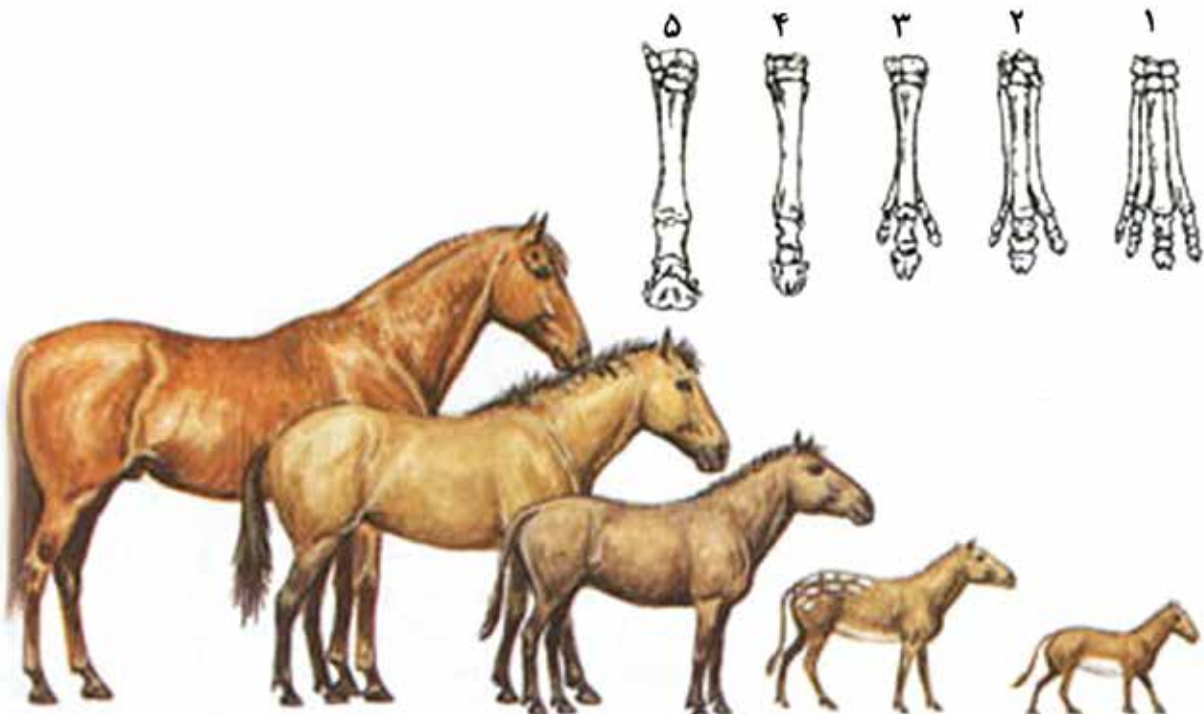
بخشی از پیکره علم

عامه تبدیل شده است

البته، لازم نیست توضیح دهیم که اعتقاد به فیکسیسم هیچ ربطی به نژادپرستی ندارد و این دو ویژگی «کووید» مستقل از هم بودند. برداشت کووید از زادآوری جانداران مبتنی بر جزئی‌نگری و فقدان دیدگاه کل‌نگر و سیستمی به جهان زنده بود. فیکسیست‌ها به تاریخ زندگی گونه روی کره زمین کاری نداشتند و گذر زمان و میلیون‌ها سال سابقه حیات هرگونه را به آسانی نادیده می‌گرفتند.

پرسشی که می‌توان اکنون مطرح کرد، این است که آیا اگر «کووید» امروز زنده و شاهد تغییرات سریع و جهش‌های ویروس‌ها جان‌گیر جهان‌گیر SARS-CoV-2 و پیدایش انواع واریانت‌های انگلیسی، هندی، برزیلی، آفریقای جنوبی و غیره بود، چه می‌گفت. آیا باز هم بر ثبات گونه‌ها و بی‌تغییری جانداران اصرار می‌ورزید و جهش‌های ویروس را تکذیب می‌کرد؟

بی‌گمان، این روزها برخلاف دوران «کووید» همه‌جا سخن از تغییر و جهش است. جهان زخم‌خورده از ویروسی چندده‌نانونتری در هراسی سنگین چشم به جهش‌ها و تغییرات ویروس دارد تا مبدا تغییر و جهشی ناچیز سبب شود یافته‌های همه خدمت‌گزاران سلامت آدمی پنبه شود و ایمنی افراد به این ویروس، به آسانی



۵. اکوئوس

۴. پلیوهیپوس

۳. مریکیپوس

۲. مزوهیپوس

۱. اتوهیپوس

SARS-CoV-2 سبب شد که کسی جرئت نداشته باشد در دنیای امروز یا فردا بار دیگر مدعی فیکسیسم شود و پرچم بی‌تغییری جانداران را بلند کند. پایه و بنیاد کارخانهٔ دهر بر تغییر نهاده شده است. لذا در این شماره در کنار مروری بر آموزش مبحث تغییر در جانداران در کتاب‌های درسی ایران، گفت‌وگویی نیز داریم با یکی از پژوهشگران و متخصصان تغییر در جانداران. پاییزتان بهاری باد!

پی‌نوشت‌ها

1. London's Morning Post newspaper
2. Hottentot
3. River Gamtoos
4. Kaffraria
5. Saartjie Baartman
6. Hottentot Venus
7. Hendric Cezar
8. Georges Cuvier

۹. لینه بومیان آمریکایی را که موهای سیاه صاف و سوراخ‌های بینی فراخ دارند، نژاد «سرخ» نامید و گفت که سرخ‌پوستان «مقهورند»؛ چون «انقیاد» در ذات آن‌هاست.

۱۰. در پاریس باغ‌وحش‌های انسانی بسیاری ایجاد شده است. مثلاً، در سال ۱۹۰۷ نمایشگاه بزرگ استعمار را در مکانی به نام باغ گرمسیری در جنگل انبوه بووا واقع در پاریس برپا کردند و در آن مردمی از مناطق مختلف جهان را که فرانسه در آن زمان در استعمار خود داشت، به نمایش گذاشتند.

۱۱. تقریباً همزمان با برگزاری نمایشگاه پاریس، یک فرد کوتاه‌قد کنگویی به نام اوتا بنگا که برای نمایش در نمایشگاه جهانی سنت‌لوییز به آمریکا آورده شده بود، با پاهای برهنه در باغ وحش برانکس نیویورک در قفس میمون‌ها جای داده شد و مورد علاقه بازدیدکنندگان قرار گرفت. برخی بازدیدکنندگان سیخ به دنده‌های او می‌زدند، برخی دیگر به او لگد می‌پرانند و به او می‌خندیدند.

آیا اگر «کوویده» امروز زنده

بود، باز هم بر ثبات گونه‌ها و

بی‌تغییری جانداران اصرار

می‌ورزید و جهش‌های

ویروس را تکذیب می‌کرد؟

